جلسه 14

**یک‌شنبه - 28/2/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به حکم کافر و مسلم در مسأله ارث بود که سه فرع برای آن مطرح کردیم:

فرع اول این بود که کافر از مسلم ارث نمی‌برد. اگر یک مسلمانی فوت بکند و تمام طبقات ارثش (فرزندانش، برادران و خواهرانش، عموها و پسرعموهایش و سایر ارحامش) کافر باشند، ارثش به امام علیه السلام می‌‌رسد.

فرع دوم این بود که مسلم از کافر ارث می‌‌برد. بر خلاف فتوی عامه که می‌‌گفتند مسلم هم از کافر ارث نمی‌برد، همان‌طور که کافر از مسلم ارث نمی‌برد، فقه امامیه بر این است که مسلم از کافر ارث می‌‌برد.

عامه استدلال می‌‌کردند به این حدیث نبوی که اهل ملتین لایتوارثان. و لکن در روایات ما فرموده‌اند که توارث نیست بین اهل دو ملت و دین، بین مسلم و کافر هم توارث نیست، اما ما از آن‌ها ارث می‌‌بریم. ارث طرفینی نیست اما ارث یک طرفه که ما از آن‌ها ارث ببریم اما آن‌ها از ما ارث نبرند، هست.

در صحیحه هشام و جمیل از امام صادق علیه السلام نقل کرده: انه قال فیما روی الناس عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال لایتوارث اهل ملتین قال علیه السلام نرثهم و لایرثونا (راجع به این حدیث که عامه از پیامبر نقل می‌‌کنند که لایتوارث اهل ملتین اهل دو دین از هم توارث ندارند فرمود نرثهم و لایرثونا، ما مسلمین از کفار ارث می‌‌بریم آن‌ها از ما ارث نمی‌برند. یعنی توارث طرفینی بین مسلم و کافر نیست. بعد فرمود:) ان الاسلام لم یزده فی حقه الا شدة. وسائل الشیعة جلد 26 صفحه 15. اسلام سبب شدت و قوت انسان است. اگر این وارث مسلم، مسلم نبود کافر بود ارث می‌‌برد از آن میت کافر، الان چون مسلم است ارث نبرد؟ این‌که نمی‌شود. ان الاسلام لم یزد فی حقه الا شدة.

و یا در روایت عبدالرحمن بن اعین از امام صادق علیه السلام است که لایتوارث اهل ملتین نحن نرثهم و لایرثونا ان الله عز و جل لم یزدنا بالاسلام الا عزا. وسائل الشیعة جلد 26 صفحه 13. یعنی توارث بین مسلم و کافر نیست اما مسلم از کافر ارث می‌‌برد، کافر از مسلم ارث نمی‌برد و لذا توارث بین الطرفین، توارث بین مسلم و کافر نیست. بعد در رد نظر عامه فرمود ان الله عز و جل لم یزدنا بالاسلام الا عزا، اسلام سبب عز است چطور می‌‌شود که این وارث بخاطر اسلام محروم بشود از ارث.

و یا در روایت ابی العباس است که سمعت اباعبدالله علیه السلام یقول لایتوارث اهل ملتین یرث هذا هذا و یرث هذا هذا الا ان المسلم یرث الکافر و الکافر لایرث المسلم.

فرع سوم این بود که مسلم حاجب کافر است یعنی اگر ورثه یک میت مشتمل بر کفار بودند و در بین آن‌ها یک مسلم یا چند مسلم هم بود، ورثه کافر محجوب از ارث هستند و ارث به آن ورثه مسلم می‌‌رسد، حال این ورثه که مسلم هستند ورثه میت مسلمان باشند یا نه، میت هم کافر باشد. حتی عرض کردیم اگر همه ورثه یک میتی کافر باشند، خود میت هم کافر باشد، اگر قبل از تقسیم ارث یکی از این ورثه مسلمان بشود، ارث را به او می‌‌دهند. مثلا یک زرتشتی ذمی فوت بکند فرزندانش زرتشتی هستند، برادرانش زرتشتی هستند، تمام ارحام او زرتشتی هستند، قبل از تقسیم ارث یکی از فامیل‌های او که جزء طبقات ارث هستند مثل پسر عموی آن میت یا پسر خاله آن میت بیاید بگوید من مسلمان شده‌ام، تمام دارایی آن میت می‌‌رسد به این کسی که مسلمان شده.

این هم در روایات ما مطرح شده که برخی از این روایات را بخوانیم:

روایت اول: صحیحه عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله علیه السلام من اسلم علی میراث قبل ان یقسم فله میراثه و ان اسلم و قد قسم فلامیراث له. وسائل الشیعة جلد 26 صفحه 21.

روایت دوم از این روایت واضح‌تر و مفصل‌تر است. صحیحه ابی بصیر قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن رجل مسلم مات و له ‌ام نصرانیة و له زوجة و ولد مسلمون (یک مرد مسلمانی می‌‌میرد، همسرش و اولادش مسلمان هستند، و لکن مادر او مسیحیه است) فقال علیه السلام ان اسلمت امه قبل ان یقسم میراثه أعطیت السدس (اگر مادرش قبل از تقسیم ارثش مسلمان بشود به او سهم الارث مادر را که یک ششم ترکه میت است می‌‌دهند) قلت فان لم یکن له امرأة و لا ولد و لا وارث له سهم فی الکتاب من المسلمین و امه نصرانیة و له قرابة نصاری ممن له سهم فی الکتاب لو کانوا مسلمین لمن یکون میراثه؟ (ابوبصیر می‌‌گوید عرض کردم یابن رسول الله حالا اگر فرض کنیم این مسلمان ‌که می‌‌میرد زن ندارد، فرزند ندارد، وارث مسلم هم ندارد، مادرش مسیحیه است فامیل‌هایش هم مسیحی هستند، ارثش به چه کسی می‌‌رسد؟) قال علیه السلام ان اسلمت امه فان جمیع میراثه لها (اگر مادرش مسلمان بشود کل ارث را به او می‌‌دهند) و ان لم تسلم امه و اسلم بعض قرابته ممن له سهم فی الکتاب فان میراثه له و ان لم یسلم من قرابته احد فان میراثه للامام. اگر مادرش مسلمان نشود ولی بعضی از فامیل‌ها و نزدیکانش مسلمان بشوند که سهم دارند در ارث مثل برادرش ارث را به او می‌‌دهند و اگر هیچ‌کدام از نزدیکانش مسلمان نشوند وارثش می‌‌شود امام.

این صحیحه ابی بصیر در فرضی است که میت مسلم است اما فقهاء ما فرمودند حتی اگر میتی کافر باشد و تمام فامیل‌های او کافر باشند، قبل از تقسیم ارث آن میت کافر بین ورثه کافرش یکی از کسانی که جزء طبقات ارث او است (مثلا پسر عموی او، پسر دایی او) بیاید و مسلمان بشود، کل ارث را به او می‌‌دهند. ببینیم دلیل فقهاء بر این مطلب چیست؟

مرحوم آقای خوئی در کتاب المیراث صفحه 26 (که در یک مجموعه‌ای به نام مجمع الرسائل چاپ شده) فرمودند: اگر میت کافر است و جمیع اولادش و برادرانش و ارحامش کفار هستند، اگر قبل از تقسیم ارثش یکی از کسانی که در طبقه متأخره از ارث است (مثل برادر، نوه، پسر عمو) قبل از قسمت ارث این میت کافر مسلمان بشود، تمام مال این میت کافر را به او می‌‌دهند و طبقات متقدمه ارث مثل فرزندان او چون مسلمان نیستند به آن‌ها چیزی نمی‌رسد.

ایشان فرموده است: دلیل ما بر این مطلب این است که آن روایات مطلقه که من اسلم علی میراث قبل ان یقسم فله میراثه، ‌قدر متیقنش همین فرض است. یا مثلا معتبره ابی العباس بقباق شبیه همان صحیحه عبدالله بن مسکان است که قبلا خواندیم، قال ابوعبدالله علیه السلام من اسلم علی میراث قبل ان یقسم فهو له. شمول این روایت معتبره و یا صحیحه عبدالله بن مسکان نسبت به این قسم قدرمتیقن است.

تعبیر مرحوم آقای خوئی این است که فرمودند: بعض فروض که همه ورثه کافر هستند در هنگام مرگ میت، ‌یکی از این‌ها می‌آید مسلمان می‌‌شود، بعض فروض آن نادر است. مثلا اگر میت خودش مسلمان بود، اولادش کافر بودند، یکی از برادرانش که آن‌ها هم همه کافر بودند می‌آید مسلمان می‌‌شود قبل از قسمت‌، ارث به او می‌‌رسد ولی این فرض نادری است. وجود هذا الفرض فی الخارج إما بعید او غیر محقق. ولی اگر میت کافر باشد یکی از ارحامش که در طبقات ارث است قبل از قسمت ارث بیاید مسلمان بشود این کثیر الوجود است، ‌زیاد پیش می‌آید. و شمول المعتبر من الروایات لهذا القسم هو المتیقن. فتدل هذه الروایات علی ان اسلام من هو فی الطبقة المتأخرة موجب لهدم الطبقة المتقدمة اذا کان اسلامه قبل القسمة سواء کان المیت کافرا أو مسلما.

این ادله‌ای که تا حالا ذکر شد و مرحوم آقای خوئی ذکر کرد قابل مناقشه است نسبت به این فرضی که میت کافر است فامیل‌هایش همه کافر هستند و قبل از قسمت ارث او یکی از فامیل‌ها مسلمان می‌‌شود‌. این‌که ما بگوییم کل ارث می‌‌رسد به این وارث مسلم این روایاتی که ذکر شد وافی به آن نیست. چرا؟ برای این‌که صحیحه ابی بصیر که موضوعش رجل مسلم بود. می‌‌ماند صحیحه عبدالله بن مسکان یا معتبره ابی العباس بقباق که آن‌جا فرض نشده که میت مسلمان بود، ‌بر خلاف صحیحه ابی بصیر که فرض شد رجل مسلم مات، ‌در معتبره ابی العباس بقباق یا صحیحه عبدالله بن مسکان یا روایات مشابه مثل صحیحه محمد بن مسلم عن احدهما علیهما السلام قال من اسلم علی میراث قبل ان یقسم فهو له و من اسلم بعد ما قسم فلامیراث له، ‌این‌ها موضوع‌شان اعم از این است که میت کافر باشد یا مسلم.

این را قبول داریم. اما اشکال این است که این روایت این‌جور فرض کرده که آن موردی که اگر در هنگام موت میت این وارث مسلمان بود به او ارث می‌‌دادند، قبل از تقسیم ارث هم مسلمان بشود این وارث همان ارث را به او می‌‌دهند. یعنی در همین مثال که میت زرتشتی است تمام فامیل‌های او زرتشتی هستند پسر عموی او قبل از تقسیم ارث آمد گفت من مسلمان شدم، این کانّه قبل از موت آن میت زرتشتی مسلمان شده بوده؛ اگر در زمان موت آن میت زرتشتی بناء بود به این شخص ارث بدهند الان هم که قبل از تقسیم ارث مسلمان شده به او همان ارث را می‌‌دهند. من اسلم علی میراث قبل ان یقسم فهو له و من اسلم بعد ما قسم فلامیراث له. پس باید زیر بنای مسأله را محکم بکنیم و ببینیم آیا اگر یکی از طبقات ارث میت کافر در هنگام مرگ او مسلمان شده بود، مانع از ارث بقیه است؟ مانع از ارث بقیه نزدیکان او که کافر هستند خواهد بود؟ اگر این ثابت بشود بله ما می‌‌توانیم بگوییم قبل از قسمت ارث هم اگر این فامیل میت کافر مسلمان بشود مانع از ارث بردن بقیه می‌‌شود. سؤال این است که به چه دلیل اگر میت کافر باشد و در نزدیکان او یک وارث مسلمانی باشد، ‌این وارث مسلمان مانع از ارث بقیه ورثه کافر می‌‌شود، مثلا این میت زرتشتی یک پسر عموی مسلمانی داشت هنگام مرگ، به چه دلیل کل ترکه را می‌‌دهند به آن پسرعموی مسلمانش و فرزندان کافر این میت زرتشتی از ارثش محروم می‌‌شوند. این دلیلش چیست؟

دلیل این مطلب برخی از روایات ذکر شده که ما این روایات را باید بررسی کنیم:

روایت اول روایت حسن بن صالح است: عن ابی عبدالله علیه السلام قال المسلم یحجب الکافر و یرثه و الکافر لایحجب المسلم و لایرثه. وسائل الشیعة جلد 26 صفحه 11.

سند این روایت ضعیف است بخاطر ضعف حسن بن صالح. ولی دلالتش تقریبش این است که فرمودند وارث مسلم حاجب وارث کافر است. معنای حاجب بودن این است که این وارث مسلم در طبقه متأخره اگر باشد و آن کافر در طبقه متقدمه باشد مثلا فرزند میت کافر است ولی برادر او مسلمان است، طبقه برادر متأخر از طبقه فرزند است در ارث (‌با وجود فرزند نوبت به برادر نمی‌رسد) ولی این برادر چون مسلمان است حجب می‌‌کند آن فرزند کافر را و محروم می‌‌کند او را از ارث. یا یکی از فرزندان مسلمان است بقیه فرزندان کافر هستند، این فرزند مسلمان محجوب و محروم می‌‌کند بقیه فرزندان را از ارث و این اطلاق دارد چه میت کافر باشد چه مسلمان باشد.

تامل بفرمایید ان‌شاءالله بقیه مطالب در جلسه آینده بحث خواهد شد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.